

# هارمونیک پیشرفته

چرا باید الگوی 0-5 را از میان الگوهای هارمونیک حذف کنیم

ساحل تیموری

انتشار: سایت فراچارت

[www.farachart.com](http://www.farachart.com)

## مقدمه:

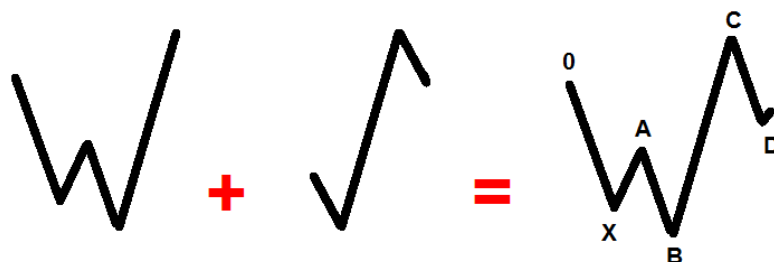
الگوی 0-5 ، ساختاری متشکل از نقاط : 0 ، X ، A ، B و C می باشد که قرار گرفتن هر یک از این نقاط بر روی محدوده ترازهایی خاص ، شرایطی را برای ایجاد ناحیه ی PRZ این الگو (نقطه ی D) فراهم می کند.

در حالتی "محدود تر" شاید بتوان الگوی 0-5 را حاصل به هم پیوستن دو الگوی شارک و دوسویه تصور کرد. بدین ترتیب الگوی 0-5 را می توان حاصل ترکیبات زیر دانست:

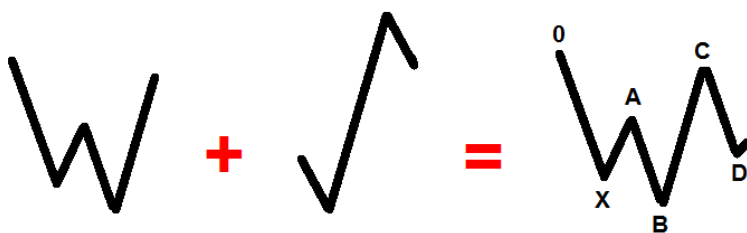
( لازم به ذکر است که برای شکل گیری الگوی 0-5 نیازی نیست که حتماً الگوی شارک تشکیل شده باشد بلکه رعایت شدن شرایط خاص ترازها در ساختار 0-5 ، کفایت خواهد کرد.

اما واضح است که در صورت شکل گیری الگوی شارک ، ما ساختار بزرگ منظم تری را خواهیم داشت و این موضوع احتمال عملکرد الگو را بالاتر می برد.)

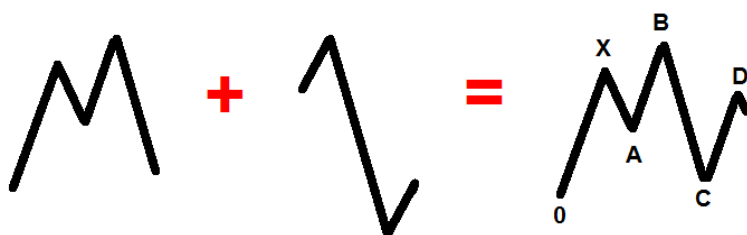
الگوی 0-5 در حالت صعودی:



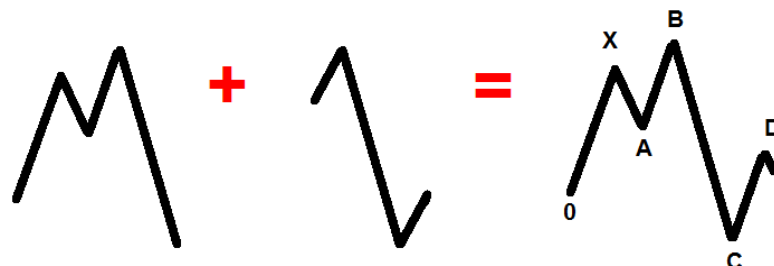
or



الگوی 0-5 در حالت نزولی:



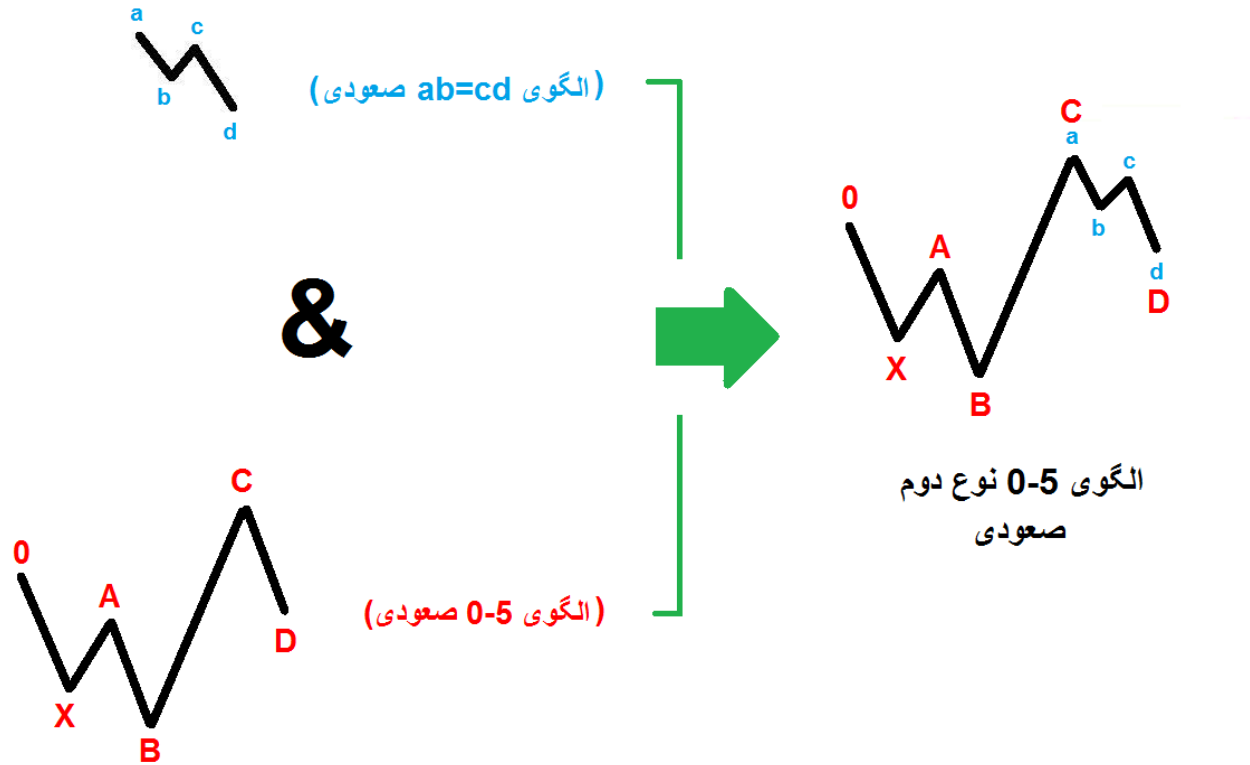
or



توجه داشته باشید که حالتی خاص در الگوی 0-5 وجود دارد که به آن الگوی 0-5 نوع دوم می گویند. تفاوت این دو الگو را می توان به این صورت بیان کرد که:

در انتهای ساختار الگوی 0-5 همیشه یک الگوی دوسویه وجود دارد. اما گاهی مواقع در انتهای همین الگوی دوسویه یعنی بازوی CD ، یک الگوی  $ab=cd$  نیز شکل می گیرد. محاسبات مربوط به ناحیه ی PRZ در الگوی 0-5 نوع دوم ، مشابه با الگوی 0-5 می باشد منتها محاسبات مربوط به ناحیه ی PRZ الگوی  $ab=cd$  نیز به آن اضافه می شود.

تصویر زیر اجزای یک "الگوی 0-5 نوع دوم صعودی" را بصورت نمادین نشان می دهد:



همان طور که ذکر شد ، الگوی 0-5 نوع دوم حالتی خاص از الگوی 0-5 می باشد. به همین دلیل در ادامه ی بحث از آن صرف نظر شده و تمرکز بر روی ساختار اصلی یعنی همان الگوی 0-5 قرار خواهد گرفت.

## شبیه سازی گام های همجنس:

گام های بازار را می توان بطور کلی در دو دسته ی : "استراحت ها" و "حرکت ها" جای داد که مجموعه ای از این استراحت ها و حرکت ها ، ساختارهایی بزرگتر را بوجود می آورند و قیمت را در جهت صعود یا نزول جابجا می کنند.

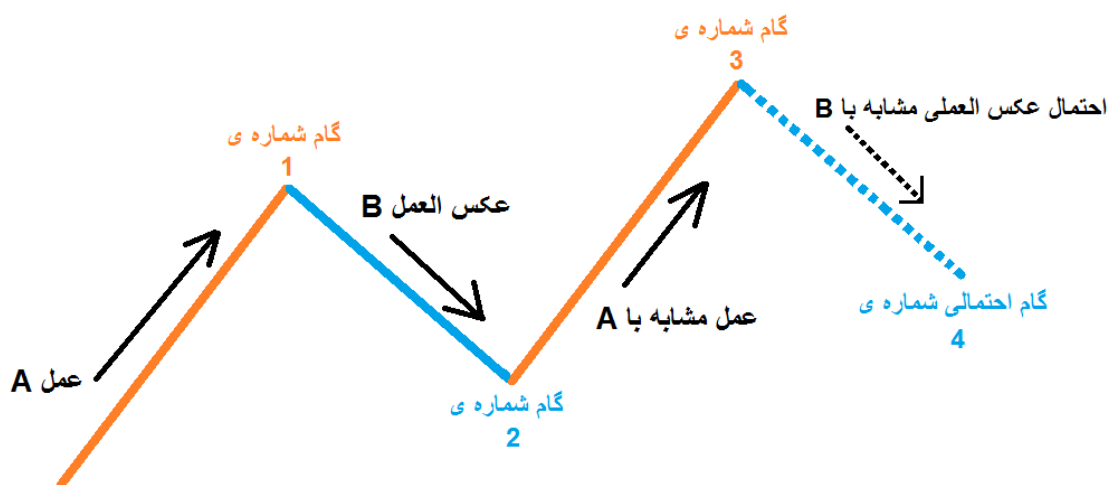
موضوعی که بایستی به آن توجه نمود این است که در یک "ساختار واحد" ، تا آنجا که امکان دارد انتظار می رود گام های **همجنس** ، رفتاری مشابه از لحاظ قیمت و زمان از خود بروز دهند.

به نظر می رسد دلیل چنین انتظاری را می توان بدین صورت بیان کرد که:

اگر عمل A منجر به شکل گیری عکس العمل B شود ، در اینصورت "محتمل خواهد بود" که در همان ساختار ، هر عملی دیگری که مشابه با عمل A باشد ، عکس العملی مشابه با عکس العمل B را در پی داشته باشد.

این موضوع در ادامه واضح تر بیان شده است:

در تصویر زیر ساختاری در "جهت صعود" نشان داده شده است و همان طور که مشاهده می شود گام های نارنجی رنگ ، همجنس و از نوع "حرکت" هستند و گام های آبی رنگ ، همجنس و از نوع "استراحت" می باشند.



اگر گام شماره 1 را "عمل A" بنامیم ، این عمل در ادامه ی جابجایی قیمت ، منجر به شکل گیری عکس العملی شده است به نام "عکس العمل B" .

بدین ترتیب شباهت رفتاری میان گام های هم جنس شماره 1 و 3 ، یک احتمال را مبنی بر شباهت رفتاری میان گام های شماره 2 و 4 شکل می دهد.

در نتیجه ما یک پیش بینی اولیه در مورد گام آینده ی قیمت یعنی گام شماره ی 4 و نحوه ی جابجایی اش ، خواهیم داشت. (لازم به ذکر است که چنین مقایسه ای میان گام های نزدیک به هم صورت می گیرد زیرا رفتار اخیر قیمت از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است)



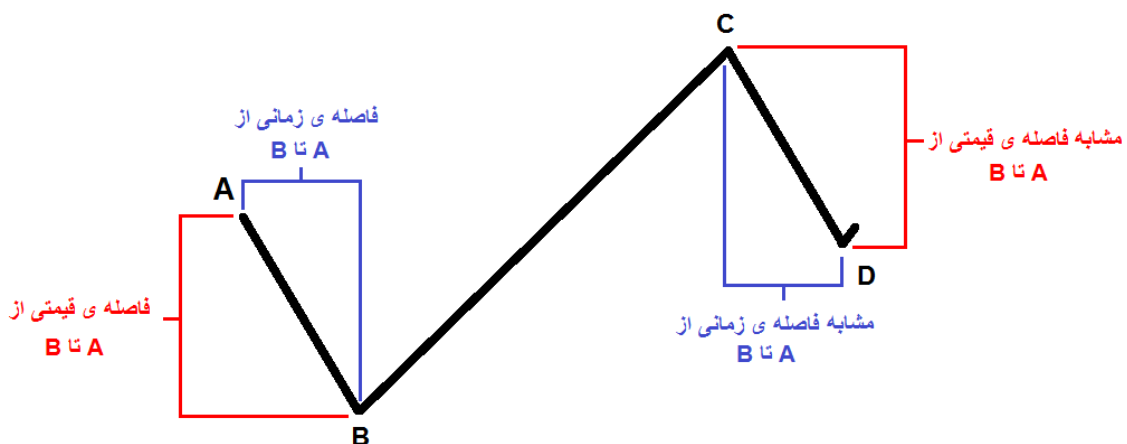
## بررسی الگوی دوسویه:

در الگوی دوسویه ، انتهای موج CD (ناحیه ی PRZ) بوسیله ی شبیه سازی قیمتی و زمانی با حرکت AB تعیین می شود.

یعنی انتظار داریم نمودار به اندازه ی فاصله قیمتی میان A تا B ، از نقطه ی C پایین (در مورد دوسویه ی صعودی) یا بالا (در مورد دوسویه ی نزولی) بیاید.

همچنین مشابه این انتظار در مورد مدت زمان تشکیل بازوی AB و تکرار چنین زمانی در بازوی CD نیز وجود دارد.

تصویر زیر مطلب بیان شده را بصورت نمادین در مورد الگوی دوسویه صعودی نشان می دهد:



بدین ترتیب همان طور که ذکر شد می توانیم یک پیش بینی اولیه را برای رفتار گامی که قرار است بعد از نقطه ی D شکل بگیرد ، در نظر بگیریم.

توجه داشته باشید که به هیچ وجه منظور سطوح قیمتی که حد سود یا حدسودهای این الگو روی آن قرار می گیرند نیست و این مطلب به قوانین معامله ی هر شخص بستگی دارد. در اینجا هدف صرفا توضیح کلی در مورد یک پیش بینی اولیه برای گام آینده ی قیمت با توجه به گام های قبلی که در همان ساختار برداشته است، می باشد.

این موضوع که مجاز بوده ایم رفتاری مشابه را برای بازوهای AB و CD انتظار داشته باشیم نشان می دهد که AB و CD هر دو همجنس هستند و از آنجایی که گام CD از نوع "استراحت" می باشد ، بنابراین می توان نتیجه گرفت که گام AB نیز بایستی از نوع "استراحت" باشد.

## محاسبه ی ناحیه ی PRZ الگوی 0-5 :

ناحیه ی PRZ این ساختار از یک تراز فیبوناچی بازگشتی و یک تراز فیبوناچی پروجکشن ساخته می شود. بطور کلی نحوه ی مشخص کردن انتهای گام CD (ناحیه ی PRZ) در این الگو را می توان به دو صورت زیر شرح داد:

الف) ناحیه ی PRZ الگوی 0-5 ، همان ناحیه ی PRZ الگوی دوسویه ای که در انتهای ساختار شکل گرفته است می باشد.

ب) ناحیه ی PRZ الگوی 0-5 ، از مشارکت تراز 50% فیبوناچی بازگشتی بازوی BC و تراز 100 Pro بازوی AB در نقطه ی C شکل می گیرد.

تفاوت میان دو روش ذکر شده در این است که ، در روش "الف" ، ناحیه ی PRZ دقیقا مطابق با ناحیه ی PRZ الگوی دوسویه تعیین می شود و تراز مربوط به فیبوناچی بازگشتی در این ناحیه ، متناسب با تراز ی که نقطه ی C بر آن قرار می گیرد ، از یک الگو به الگویی دیگر ، متفاوت خواهد بود.

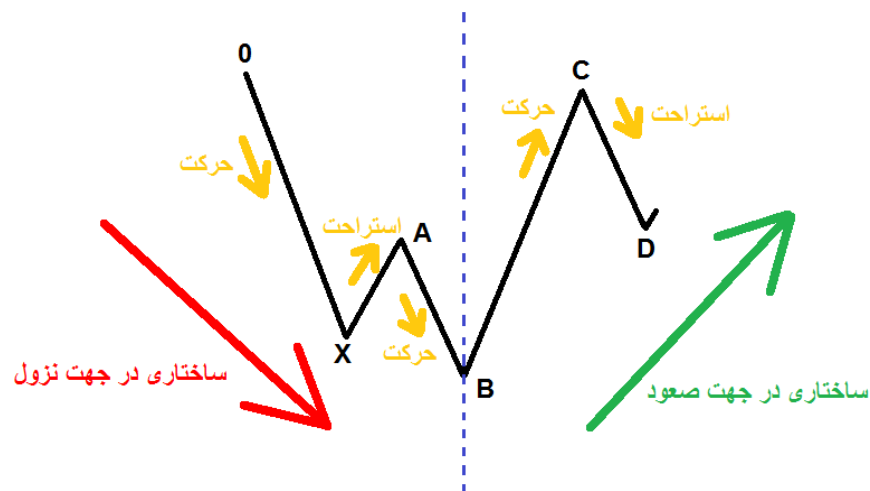
در حالی که در روش "ب" ، تراز مربوط به فیبوناچی بازگشتی ناحیه ی PRZ ، برای تمام الگوها روی تراز 50% فیکس می شود و شرایط الگو بایستی به نحوی باشد که

تراز 100 Pro بازوی AB در نقطه ی C ، ناحیه ی PRZ قابل قبولی را از لحاظ انسجام تراز ها با تراز 50% فیبوناچی بازگشتی که از قبل فیکس شده ، تشکیل دهد.

اما در هر صورت موضوعی که در هر دو روش یکسان است ، اعتقاد به وجود الگوی دوسویه و استفاده از آن برای محاسبه ی ناحیه ی PRZ در ساختار 0-5 می باشد.

این مطلب در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

برای مثال یک الگوی 0-5 صعودی را در نظر بگیرید و به ساختار آن توجه کنید:



همان طور که مشاهده می شود ساختار این الگو به دو بخش تقسیم می شود. بخش ابتدایی آن در جهت نزول و بخش انتهایی آن در جهت صعود قیمت می باشد.

حال اگر به جایگاه الگوی دوسویه در ساختمان 0-5 توجه کنیم متوجه می شویم که در این حالت بازوهای AB و CD ، درون ساختاری هم جهت **واقع نشده اند** و این موضوع باعث شده است که گام AB از نوع "حرکت" و گام CD از نوع "استراحت" باشد.

بدین ترتیب ما در محاسبه ی ناحیه ی PRZ الگوی 0-5 ، در حال مقایسه و شبیه سازی رفتاری ، **میان یک "استراحت" و یک "حرکت" آن هم در دو ساختار متفاوت هستیم!** (ساختار اول در جهت نزول و ساختار دوم در جهت صعود).

در حالی که هیچ توجیهی وجود ندارد که بخواهیم چنین شباهتی را در مورد این دو حرکت متفاوت ، قائل باشیم و سوالی که مطرح می شود این است که: **چگونه می توان توقع داشت که گامی از جنس "استراحت" درون یک ساختار ، رفتاری شبیه به گامی دیگری که از جنس "حرکت" است و نیز در ساختاری متفاوت واقع شده است ، داشته باشد؟!**

بنابراین به نظر می رسد مواردی که در آن شاهد تحقق سود مورد انتظار با این الگو بوده ایم ، به دلیل ظهور شرایطی دیگری در نمودار بوده است.

برای مثال : ممکن است در مواردی که تراز 50% فیبوناچی بازگشتی در ناحیه ی PRZ مشارکت داشته است و عملکرد مناسبی را از الگو شاهد بوده ایم ، علت مطابقت رفتار قیمت و انتظار ما ، در حقیقت خداحافظی قیمت با سطح A بوده باشد و نه دقیقا ساختاری با ظاهری شبیه به الگوی دوسویه!

## نتیجه گیری :

با توجه به دلایل ذکر شده ، نشان داده شد که در آناتومی الگوی 0-5 ، "ساختار دوسویه" در جایگاه درستی **واقع نشده** و چنین ساختاری تحت عنوان "الگوی دوسویه" ، قابل استفاده نمی باشد و از آنجایی که در محاسبات مربوط به ناحیه ی PRZ الگوی 0-5 ، از قوانین ترسیم ناحیه ی PRZ الگوی دوسویه استفاده می شود ، به این نتیجه می رسیم که استفاده از الگوی 0-5 صحیح نیست و بهتر است این ساختار را از میان الگوهای که در چارت ترسیم می شوند حذف کرد .

پایان.